

## درس یازدهم هم نشین

\* مصاحبت با یک دوست خوب و شکیبا ، هم چون وزش نسیم دل انگیزی است که احساس آرامش و سبکی و صفای درون را در ما زنده می سازد.

معنی : هم نشین با دوستی خوب و صبور ، مانند ورزش باد ملایم و خوبی است که احساس آرامش و راحتی و پاکی درون را در ما شاداب می سازد.

لغت : مصاحبت : هم صحبتی ، هم نشینی / شکیبا : بردبار ، صبور / دل انگیز : خوب ، پسندیده / سبکی : راحتی ، آرامش / صفا : پاکی

آرایه : مصاحبت مانند وزش نسیم : تشبیه

بیت :

• دیدار یار غایب ف دانی چه ذوق دارد ؟ ابری که در بیابان بر تشنه ای ببارد

معنی : ایا می دانی ، دیدن یار غایب ، چقدر لذت بخش است ؟ مانند ابری است که در بیابان بر انسان تشنه ای می بارد.

لغت : دیدار : دیدن ، ملاقات کردن / غایب : کسی که در جایی حضور ندارد. / ذوق : شوق و اشتیاق

آرایه : دیدار یار غایب به ابر مانند شده است. / تکرار « ر » و « ب » : نغمه حروف / ابر و باریدن « مراعات نظیر

نکته دستوری :

بیت از چهار جمله ، تشکیل شده است. ( بعد از ابری فعل « است » حذف شده )

\* چه بسیاری کسانی که لاف دوستی می زنند ، اما در حقیقت ، گرگانی در جامه ی میشان اند.

معنی : انسان های زیادی وجود دارند که بهیوده ، ادعای دوستی می کنند ، اما در حقیقت ، مانند گرگ های درنده هستند که خود را در لباس گوسفندان ، مهربان و دوست داشتنی ، نشان می دهند .

لغت : لاف زدن : ادعای زیاده از حد ، بیهوده گویی ، خودستایی کردن /  
جامعه : لباس

آرایه : لاف زدن ، کنایه / گرگانی هستند : تشبیه / گرگان و میشان : تضاد /  
گرگانی در جامعه ی میشان اند : کنایه

\* از هم نشینی با بدان پرهیز کن که هم چون شمشیر برهنه ، ظاهرش زیبا  
و اثرش زشت است.

(ازاما

م جواد(ع)...

معنی : از هم نشینی با انسان های بد دوری کن ، زیرا مانند شمشیری بی  
غلاف هستند که ظاهری زیبا دارند ، اما نتیجه ی دوستی کردن با آن ها ،  
ناپسند و زشت است. ( شمشیر ، نتیجه اش ، قتل و خون ریزی است و انسان  
های بد کارهای زشت و ناپسند می کنند).

آرایه : هم نشینی با بدان مانند شمشیر است : تشبیه / زشت و زیبا : تضاد

بیت :

• تا توانی می گریز از یار بد یار بد ، بدتر بود از مار بد

معنی : تلاش کن که از دوست بد دوری کنی زیرا ، دوست بد از مار ترسناک  
، بدتر است.

آرایه : تکرار « ب » و « د » : واج آرایی / یار بد به مار مانند شده : تشبیه /  
یار و مار : جناس / بد و بد : تکرار

بیت :

• مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر جان و بر ایمان

زند

معنی : مار بد فقط ، جان تو را می گیرد و تو را نابود می کند ، اما یار بد  
علاوه بر جان تو ، ایمان و اعتقاد تو را هم از بین می برد.

آرایه : مار و یار : جناس / تکرار حرف « ب » : واج آرایی / جان و جان : تکرار

\* بدان که هر کس صحبت و دوستی را نشاید بلکه باید که صحبت با کسی دارند که در وی سه خصلت بود: اول آن که عاقل بود که در صحبت احمق و نادان هیچ فایده نبود؛ دوم آن نیکو خلق بود، که در بدخو سلامت نبود؛ سون آن که به صلاح بود، که هر که به معصیت، مصر بود از خدای نترسد و هر که از خدای نترسد، بر وی اعتماد نبود.

معنی: آگاه باش که هر کسی شایسته دوستی و هم نشینی نیست، بلکه شایسته است که با کسی هم نشین باشیم که دارای سه ویژگی باشد: اول آن که دانا باشد، زیرا هم نشینی با انسان احمق و نادان هیچ سود و فایده ای ندارد؛ دوم آن که، خوش اخلاق باشد زیرا انسان بد اخلاق بیمار و ناراحت است؛ سوم آن که درستکار و صالح باشد، زیرا هر کسی که به گناه کردن اصرار دارد از خدا نمی ترسد و قابل اعتماد نیست.

لغت: صحبت: هم نشینی / نشاید: شایسته نیست / خصلت: ویژگی / عاقل: دانا / احمق: نادان / نیکو خلق: نیکوکار، درستکار / بد خو: بد اخلاق / صلاح: نیکی، درستی / معصیت: گناه، نافرمانی / مصر: اصرار کننده، پافشاری کننده / اعتماد: پشت گرمی، یاری، امید داشتن به کارآیی

آرایه: عاقل و احمق: تضاد / عاقل و نادان: تضاد / نیکو خلق و بد خلق: تضاد

بیت:

• با بدان کم نشین که صحبت بد  
گرچه پاکي، تو را پلید  
کند

معنی: با انسان های بد کم تر دوستی و هم نشینی کن، زیرا انسان های بد تو را که پاک هستی، آلوده می سازند.

آرایه: این بیت یک تمثیل است.

پلید و پاک: تضاد / تکرار «ب» در مصراع اول: نغمه ی حروف

بیت:

• آفتابی بدین بزرگی را  
لکه ای ابر،  
ناپدید کند

معنی : لکه ای ابر ، آفتاب به این بزرگی را پنهان و ناپدید می سازد. ( دوستی با بدان مانند لکه ای ابر است که آفتاب را پنهان می کند ، انسان را آلوده می سازد)

آرایه : هر کس با بدان نشیند اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند ، به طریقت ایشان متهم گردد .

معنی : هر کسی که با انسان های بد ، هم نشینی کند اگر خلق و خوی آن ها در او تأثیر نگذارد راه و روش نادرست آن ها به او نسبت داده می شود . ( به او تهمت ناروا زده می شود .)

لغت : طبیعت : سرشت ، خلق و خوی / طریقت : راه و روش / متهم : کسی که کار بدی به او نسبت داده می شود ، مورد تهمت واقع شده

آرایه : نشیند ، نکند و گردد : سجع

بیت :

• پسر نوح ، با بدان بنشست  
نیوتش گم شد

معنی : پسر نوح (ع) به خاطر هم نشینی با انسان های بد از خاندان پیامبری رانده شد و مقام و مرتبه ی خویش را از دست داد .

لغت : خاندان : خانواده ، دودمان / نیوت : پیغمبری ، رسالت

آرایه : نوح و نیوت : مراعات نظیر / تلمیح به داستان حضرت نوح (ع)

بیت :

• سگ اصحاب کهف روزی چند  
پی نیکان گرفت و مردم شد

معنی : سگ اصحاب کهف ( یاران غار ) مدتی به خاطر همراهی با انسان های خوب ، به مرتبه و مقام انسانی رسید .

لغت : اصحاب : ج صاحب ، یاران / کهف ( kahf ) : غار / مردم : انسان

آرایه : تلمیح به داستان اصحاب کهف

توجه : اصحاب کهف : چند نفری بودند که در دوره ی دقیانوس از شهر بیرون رفتند و در غاری خوابیدند و ۳۰۰ سال در خواب بودند ...

نکته ی دستوری : در مصرع دوم « مردم » اسم جمع نیست . گاهی در گذشته بر خلاف امروز به معنی مفرد انسان به کار می رفت و فعل آن هم به صورت مفرد بود .

مثل هم نشین بد چون آهنگر است ، اگر جامه نسوزد ، دود در تو گیرد و مثل هم نشین نیک چون عطار است که اگر مشک به تو ندهد ، بوی در تو گیرد .

معنی : هم نشین بد مانند آهنگری است که اگر لباس تو را نسوزاند ( ظاهر تو را تغییر ندهد ) بوی دودش در تو اثر می کند . ( رفتار و باطن تو را تغییر می دهد ) و مثل هم نشین خوب همانند عطر فروشی است که اگر ماده ی خوشبوی به تو ندهد . ( باطن تو را تغییر ندهد ) ، دست کم ، بوی خوش در تو اثر می گذارد . ( در ظاهر و رفتار تو تأثیر می گذارد . )

لغت : عطار : عطر فروش / مشک : ماده ی خوشبو

آرایه : آهنگر ، دود و سوختن : مراعات نظیر / عطار ، مشک و بوی : مراعات نظیر ( در این عبارت شبکه ی معنایی وجود دارد . ) / نسوزد ، گیرد : سجع / مثل هم نشین ... : تمثیل / بد و نیک : تضاد / هم نشین بد به آهنگر و هم نشین نیک به عطار : تشبیه

بیت :

• هم نشین تو از تو ، به باید  
عقل و دین بیفزاید

معنی : هم نشین تو باید از خودت بهتر باشد ، تا این که چیزی را به عقل و دین تو اضافه کند .

نکته ی دستوری : به ( = بهتر ) : صفت تفضیلی

## تاریخ ادبیات

غزالی ، محمد : ابو حامد امام محمد بن محمد غزالی ( ۴۵۰ - ۵۰۵ ه . ق ) از دانشمندان معروف دوره ی سلجوقی است . وی در فقه و حکمت و کلام ،

سر آمد روزگار خویش بود . پدرش مردی بافنده بود و برخی لقب غزالی را به مناسبت پیشه ی او می دانند . وی به مدت پنج سال در مدرسه ی نظامیه تدریس کرد و در طابران توس درگذشت و همان جا مدفون شد . از آثار او می توان به کیمیای سعادت ، نصیحه الملوک و احیاء علوم الدین اشاره کرد .

خودارزیایی :

۱- در متن درس چه کسانی به عنوان مشاوران خوب ، معرفی شده اند ؟

پدر و مادر ، معلمان دلسوز ، مربیان با تجربه

۲- در سخن امام جواد (ع) تشبیهی به کار رفته است . این تشبیه را توضیح دهید.

امام جواد (ع) فرموده اند : « از همنشینی با بدان ، پرهیز کن که هم چون شمشیر برهنه ، ظاهرش زیبا و اثرش زشت است » ایشان دوستان بد را از دوجبهت مثل شمشیر دانسته اند یکی از جهت ظاهر که زیبا ، خوش قد و قامت و درخشنده است دیگر از جهت تأثیری که به جای می گذارد که چون نتیجه ی استفاده از شمشیر ، قتل و خون ریزی است . اثرش مثل هم نشینی با انسان های بد ، زشت ، ناپسند و زیان بار است.

۳- به نظر شما چرا سعدی ، پسر نوح (ع) را با سگ اصحاب کهف ، مقایسه کرده است ؟

چون خواسته بگوید حتی فرزندان پیامبران نیز اگر با بدان همدلی و هم نشینی کنند ، مقام و منزلت خویش را از دست می دهند و از آن طرف اگر حیوان بی ارزشی چون سگ با خوبان و نیکان ، همدلی و همراهی کند ارزش و اعتبار می یابد.

۴- .....

دانش های زبانی و ادبی

نکته اول :

در سال های گذشته با فعل ماضی و یکی دو نوع آن آشنا شده اید اینک هر شش نوع فعل ماضی را معرفی می کنیم :

۱- ماضی ساده ، ۲- ماضی استمراری ، ۳- ماضی نقلی ، ۴- ماضی بعید ، ۵ - ماضی التزامی ، ۶- ماضی مستمر

۱- ماضی ساده ، فعلی که در گذشته اتفاق افتاده است و تمام شده است : «  
گرچه در دام افتاد» ، «دوستانت آمدند و تو شاد گشتی»

طرز ساخت : بن ماضی + شناسه های - م ، ی ، - د ، یم ، ید ، - ند

نکته :

شناسه سوم شخص مفرد ، یعنی « - د » فقط در ماضی التزامی به کار می رود.

نکته :

در گذشته گاه قبل از ماضی ساده ، حرف « ب » و گاه آخر فعل ، حرف « ا » اضافه می شده است :

«گرچه در دام بماند» ، «گفتا مگوی با کس تا وقت آن سرآید» ، «گفتا غم خرنند و جان فروشند»

۲- ماضی استمراری ، فعلی که در گذشته به صورت مکرر و پیوسته ، اتفاق افتاده است : «پدرم به مأموریت می رفت»

طرز ساخت = می + ماضی ساده : می نوشتم ، می نوشتی ، می نوشت ، می نوشتیم ، می نوشتید ، می نوشتند.

نکته :

در گذشته گاه به جای « می » لفظ « همی » برای ماضی استمراری به کار می رفته مثل «از خاطرات خویش سخن همی گفتند»

نکته :

گاه ماضی استمراری به شکل « ماضی ساده + ی استمرار » ساخته می شده است مثل «بوعلی صبحدم برخاستی»

۳- ماضی نقلی ، فعلی که در گذشته اتفاق افتاده و اثار و نتایجش هنوز باقی است : «این داستان مثنوی را خوانده ایم»

طرز ساخت = بن ماضی + ه + ام ، ای ، است ، ایم ، اید ، اند : نوشته ام ،  
نوشته ای ، نوشته است ، ...

نکته :

به « بن ماضی + ه » صفت مفعولی نیز می گویند.

۴- ماضی بعید ، فعلی که در گذشته با پیش از فعل دیگر ، اتفاق افتاده است  
: « وقتی به آن جا رفتم ، بچه ها آمده بودند »

طرز ساخت = بن ماضی + ه + بودم ، بودی ، بود ، بودیم ، بودید ، بودند

۵- ماضی التزامی ، فعلی که در گذشته با شرط یا شک یا تردید همراه بوده و  
اتفاق افتاده است :

« شاید این نکته را شنیده باشی »

طرز ساخت = بن ماضی + ه + باشم ، باشی ، باشد ، باشیم ، باشید ، باشند.

اگر بخواهیم ماضی و مضارع التزامی را با هم مقایسه کنیم باید بگوییم که هر  
دو با شک و شرط و تردید و آرزو همراه هستند ولی یکی در گذشته اتفاق  
افتاده و دیگری در زمان حال.

نکته : در افعال ماضی نقلی و بعید و التزامی حتماً باید قبل از فعل های  
کمکی ، « بن ماضی + ه » آمده باشد ، به این تست دقت کنید :

در کدام گزینه ماضی بعید به کار رفته است ؟

الف - او خوابیده بود                      ب - او به خانه آمده بود.

ج - او تازه رسیده بود                      د - او آماده بود.

قطعاً جوابتان گزینه چهارم است زیرا در این گزینه ، «آماده» صفت مفعولی  
ساخته شده از « بن ماضی + ه » نیست بلکه صفتی ساده است که نقش  
مسندی دارد و فعل ما واژه ی « بود » و ماضی ساده است.

۶- ماضی مستمر

طرز ساخت = داشتم ، داشتی ، داشت ، داشتیم ، داشتید ، داشتند + ماضی  
استمراری



مثال :

داشتم می رفتم ، داشتی می رفتی ، ...

نکته :

گاه بین فعل کمکی و فعل اصلی ماضی مستمر ، فاصله می افتد ، مثل :

« داشتم نکته های دستوری زبان فارسی را می خواندم . »

نکته :

به ماضی مستمر ، ماضی ملموس هم گفته می شود.

نکته دوم :

اگر بین بخش های مختلف یک نوشته ، وحدت و هماهنگی برقرار باشد ، به این پیوستگی و یک پارچگی « انسجام متن » می گویند . نکته ی مهم دیگر در متون برجسته ، آغاز و پایان دل انگیز و زیبایی آن هاست . پس یک متن خوب و جذاب باید سه ویژگی داشته باشد :

۱- آغاز نیکو ، ۲- انجام محتوا ، ۳ پایان بندی مناسب.

مثلاً در همین متن درس دهم ، نویسنده با ذکر این که دوستی با دیگران از نیازهای انسان است تا بتواند در رویارویی با مسائل زندگی ، هم راهی و همدلی پیدا کند و ... ، نوشته را خوب آغاز کرده و سپس با ذکر عبارتی از قول بزرگان و معصومین و نقل اشعار و جملاتی زیبای شاعران و نویسندگان به هماهنگی و انسجام متن ، توجه کرده و در آخر متن نیز با ذکر بیتی که بیانگر مفاد کل متن و خلاصه و چکیده ی آن است ، پایان خوب و مناسبی به این نوشته داده است.

کار گروهی :

۱- درباره ی آیات ، روایات و داستان ها و اشعار دیگری که درباره ی دوستی و دوست یابی دوره ی نوجوانی شنیده یا خوانده اید ، گفت و گو کنید.

- حدیث « المرء علی دین خلیله » آدمی بر دین و روش دوست خود است.

- شعر « دوست آن است کاو معايب دوست همچو آيينه

روبرو گوید »

- شعر « دوست آن باشد که گیرد دست دوست  
پریشان حالی و درماندگی »

- شعر « دوست مشمار آن که در نعمت زند  
برادر خواندگی »

- شعر « این مثل زد وزیر با بهمن  
دوست نادان  
بتر ز صد دشمن »

- داستان « دوستی خاله خرسه » که به یکی از حکایات مثنوی معنوی اشاره  
داد.

۲- درباره ی انسجام و شروع و پایان یکی از درس های همین کتاب ، گفت و  
گو کنید.

به توضیحی که ذیل نکته دوم همین درس راجع به متن درس دهم داده ایم  
رجوع شود.

۳- هر یک از گروه ها ، درباره ی یک از شعرهای متن ، گفت و گو کند و به  
کلاس گزارش دهد.

بر عهده دانش آموز

مطالعه و پژوهش

پژوهشگران برای مطالعه ی دقیق و نوشتن مقاله و کتاب ، حتماً نکته های  
مهم منابع را در برگه هایی یادداشت می کنند . به این یادداشت ها ، « برگه  
یا فیش » می گویند. این برگه ها که در اندازه های مختلف هستند ، باید  
همیشه کنار دست پژوهشگر باشند تا نکته های تازه ، جالب و مورد نیاز خود  
را در آن ها ثبت کند. وقتی نکته ای در برگه ای می نویسیم ، یادمان باشد  
که باید :

۱- نام منبع ذکر کنیم. اگر کتاب یا مجله یا مقاله است ، حتما عنوان آن را  
بنویسیم . اگر کتاب چند جلدی است ، شماره ی جلد آن را بنویسیم.

۲- نام نویسنده را ذکر کنیم.

۳- شماره صفحات را یادداشت کنیم.

۴- خوب است به تاریخی که آن برگه را می نویسم نیز اشاره کنیم.

پژوهشگران پس از نوشتن برگه ها آن ها را تنظیم و دسته بندی می کنند و با استفاده از آن ها ، مقاله یا کتاب می نویسند.

علامه دهخدا برای نوشتن لغت نامه ی خود ، چند میلیون برگه را با کمک دوستانش تهیه کرد.

نوشتن :

۱- مترادف کلمات زیر را بنویسید.

معاش ، متعالی ، معصیت ، مصر ، طریقت

معاش : زندگی / متعالی : بلند و رفیع / معصیت : گناه و نافرمانی / مصر :  
اصرار کننده / طریقت : راه و روش

۲- مفرد و جمع واژه های زیر را بنویسید :

اصحاب ، لحظات ، مصائب ، تصویر ، خصال ، عاقل ، تجربه ، فایده ، خُلق ،  
خَلق

اصحاب : صاحب / لحظات : لحظه / مصائب : مصیبت / تصویر : تصاویر /  
خصال : خصلت / عاقل : عقلا / تجربه : تجارب / فایده : فواید / خُلق : اخلاق /  
خَلق : خلقان ، خَلق ها

نکته :

خصایل جمع خصیلت است خلائق جمع خلیقه.

۳- بیت « دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد ؟ ابری که در بیابان بر  
تشنه ای ببارد » را با رعایت انسجام در یک بند توصیف کنید.

بر عهده دانش آموزان

۴- جدول زیر را کامل کنید.

مصدر	ماضی ساده	ماضی استمراری	ماضی نقلی	ماضی بعید	ماضی التزامی	مستقبل (آینده)
	اول	دوم	سوم	اول	دوم	سوم

شخص جمع	شخص جمع	شخص جمع	شخص مفرد	شخص مفرد	شخص مفرد	
خواهند خواند.	خوانده باشید	خوانده بودیم	خوانده است	می خواندی	خواندم	خواندن
خواهند نوشت	نوشته باشید	نوشته بودیم	نوشته است	می نوشتی	نوشتم	نوشتن

۵- انشا

متن انشا می تواند نقد رفتار ، نوشتار و آثار خود یا دیگران باشد.

انشای زیبا ، آغاز و پایانی دارد و میان بخش های آن هماهنگی و انسجام دیده می شود.

---

نوشته های ناب درس هم نشین